

اهل بیت علیهم السلام شاهدان اعمال

احسان احسان پور^۱

عبدالهادی مسعودی^۲

چکیده

یکی از باورهای مشترک قرآنی مسلمانان، نظاره گر بودن خداوند و شاهدان دیگری هم چون رسول خدا صلی الله علیه و آله، فرشتگان، اعضای بدن، زمین و زمان بر اعمال مامی باشد. اختلاف چندانی میان مفسران در تفسیر آیات اشاره کننده به این شاهدان وجود ندارد؛ ولی یکی از آیاتی که زمینه بحث بسیاری در مسئله رویت اعمال را ایجاد کرده، آیه ۱۰۵ سوره توبه است: ﴿وَقُلِ اعْمَلُوا فَسَيَرَى اللَّهُ عَمَلَكُمْ وَرَسُولُهُ وَالْمُؤْمِنُونَ وَسَتُرَدُّونَ إِلَىٰ عَالِمِ الْغَيْبِ وَالشَّهَادَةِ فَيُنَبِّئُكُمْ بِمَا كُنْتُمْ تَعْمَلُونَ﴾. در این آیه به دسته دیگری از شاهدان، یعنی مؤمنون اشاره دارد. مؤمنون مفهوم گسترده ای است و مصادیق متفاوتی می توان برای آن تصور کرد. در میان مفسران اختلاف زیادی در تشخیص مصادیق مؤمنون صورت گرفته است. آنچه مسلم است، شیعه بر اساس روایات معتقد هست که شاهدان اعمال ما ائمه معصومین علیهم السلام هستند و در طرف دیگر، اهل سنت در تفسیر آیه مصادیقی از قبیل فرشتگان، اموات و جامعه مسلمانان را معرفی می کنند. در مقام بررسی این دو دیدگاه، با کمک گیری از آیاتی که به بحث شهادت و کیفیت شهادت حضرت عیسی علیه السلام بر اعمال و آیه ۱۴۳ سوره بقره و مفهوم امت وسط اشاره دارد، در کنار دیگر آیاتی که به بحث شهادت در دنیا و آخرت اشاره می کند، کوشیده ایم ویژگی های لازم برای شهادت شاهدان را احصا نموده و با تطبیق این ویژگی ها بر مصادیق ذکر شده در هر دو دیدگاه، به سخن صواب نزدیک شویم. نتیجه این پژوهش، پذیرش ائمه طاهرين علیهم السلام به عنوان مؤمنان واقعی است.

کلیدواژه‌ها: رویت اعمال، شهادت بر عمل، مؤمنون، ائمه اطهار، امت اسلام

* تاریخ دریافت: ۹۴/۰۴/۲۵

تاریخ پذیرش: ۹۴/۰۸/۰۵

۱. کارشناسی ارشد، رشته تفسیر اثری، دانشگاه قرآن و حدیث (نویسنده مسئول)

Email: ehsanpouresan@yahoo.com

Email: h.masoudy@gmail.com

۲. دانشیار دانشگاه قرآن و حدیث، عضو گروه علوم حدیث

مقدمه

اعمال انسان‌ها در هر لحظه توسط چندین گروه از قبیل پیامبران، فرشتگان، اعضا و جوارح بدن مشاهده می‌شود. یک دسته از این ناظران اعمال، مؤمنینی هستند که در آیه ۱۰۵ سوره توبه به شاهد بودن ایشان اشاره شده است.

اگرچه اساس این مطلب که اعمال ما توسط شاهدینی مشاهده می‌شود، در کتاب‌ها و مقالات شیعه بسیار بیان شده^۱ و روایات زیادی نیز اشاره به شاهد بودن ائمه علیهم‌السلام دارد؛ لکن در طرف دیگر، علمای دیگر مذاهب اسلامی نظرات متفاوتی دارند. از آنجایی که اهل سنت، عصمت اهل بیت علیهم‌السلام را قبول ندارند، این واقعیت قرآنی یعنی شاهد بودن اهل بیت علیهم‌السلام را نیز نمی‌پذیرند و به همین جهت نظرانی را ارائه می‌کنند که حتی با سیاق آیات قرآن مربوط به این بحث، مخالفت دارد.

ما در مقاله حاضر، با مراجعه به بعضی کتب تفسیری شیعه و اهل سنت بر آن شدیم تا با توجه به تفاسیر، به سه سؤال پاسخ دهیم.

۱ - ماهیت رؤیت چیست؟ آیا رؤیت، در دنیا صورت می‌گیرد یا آخرت؟

۲ - مصداق مؤمنون در تفاسیر چه کسانی هستند؟ مصداق حقیقی مؤمنون چه کسانی هستند؟

۳ - اهداف و فواید رؤیت چیست؟

شهادت و رؤیت در لغت

راغب اصفهانی در تعریف شهادت می‌آورد: شهادت به معنای حاضر بودن و گواه بودن با مشاهده چشم یا با اندیشه و بصیرت است.^۲ ابن منظور ریشه شهادت را خبر دادن به آنچه مشاهده کرده، معرفی می‌کند.^۳ راغب در معنای رؤیت می‌آورد:

۱. به عنوان نمونه: ر.ک: نورالهی، محمد و شاکر، محمدتقی؛ «قرآن مسئله شهادت شاهدان و هدایت برگزیدگان»، مجله پژوهش‌های اعتقادی کلامی، ۱۳۹۰، دوره ۱، شماره ۳، ص ۱۵۵-۱۷۶؛ برنجکار، رضا و شاکر، محمدتقی؛ «نقش امام غایب در هدایت و مبانی آن»، مجله مشرق موعود، ۱۳۹۳، دوره ۸، شماره ۳۰، ص ۵۵-۸۲.

۲. راغب اصفهانی، حسین بن محمد؛ *المفردات فی غریب القرآن*، صفان عدنان داودی، دمشق - بیروت: دار العلم الدار الشامیه، چاپ اول؛ ج ۱، ص ۴۶۵.

۳. ابن منظور. محمد بن مکرم؛ *لسان العرب*، بیروت: دار صادر، چاپ سوم، ۱۴۱۴ ه.ق؛ ج ۳، ص ۲۴۰.



ادراک مرئی وذلک اضرب بحسب قوی النفس؛^۱ ادراک آنچه دیدنی است و البته این دیدن بستگی به قوه مدرک آن در نفس دارد؛ مثل قوه مدرکه حواس، وهم و تخیل، تفکر، قلب و شهود.

شاهدان اعمال در قرآن و روایات

از آیات و روایات این گونه به دست می آید که شاهدان اعمال در روز قیامت شش گروه خواهند بود.

در رأس همه شاهدان، پروردگار عالمیان است که در آیه ۶۱ سوره یونس می فرماید:

﴿وَمَا تَكُونُ فِي شَأْنٍ وَمَا تَتْلُوا مِنْهُ مِنْ قُرْآنٍ وَلَا تَعْمَلُونَ مِنْ عَمَلٍ إِلَّا كُنَّا عَلَيْكُمْ شُهُودًا إِذْ تُفِيضُونَ فِيهِ وَمَا يَعْزُبُ عَنْ رَبِّكَ مِنْ مِثْقَالِ ذَرَّةٍ فِي الْأَرْضِ وَلَا فِي السَّمَاءِ وَلَا أَصْغَرَ مِنْ ذَلِكَ وَلَا أَكْبَرَ إِلَّا فِي كِتَابٍ مُبِينٍ﴾؛ در هر کاری که باشی و هر چه از قرآن بخوانی و دست به هر عملی که بزنی، هنگامی که بدان می پردازید، ما ناظر بر شما هستیم. بر پروردگار تو، حتی به مقدار ذره ای در زمین و آسمانها پوشیده نیست و هر چه کوچکتر از آن یا بزرگتر از آن باشد، در کتاب مبین نوشته شده است.

دومین شاهد، پیامبران و اوصیا هستند که آیه ۴۱ سوره نساء به آن اشاره کرده است:

﴿فَكَيْفَ إِذَا جِئْنَا مِنْ كُلِّ أُمَّةٍ بِشَهِيدٍ وَجِئْنَا بِكَ عَلَىٰ هَؤُلَاءِ شَهِيدًا﴾؛ و چگونه خواهد بود که از هر امتی گواهی بیاوریم و تو را گواه بر آنها قرار دهیم.

امام صادق علیه السلام در تفسیر این آیه می فرماید:

این آیه در مورد حضرت محمد صلی الله علیه و آله نازل شده است و در هر قرنی برای آنها، امامی از ما خواهد بود که شاهد بر آنان است و محمد صلی الله علیه و آله، شاهد بر همه ماست.^۲

سومین شاهد بیان شده، اعضای بدن انسان (زبان، دست، پا، چشم، گوش و پوست) است. خداوند در آیه ۲۴ سوره نور می فرماید:

﴿يَوْمَ تَشْهَدُ عَلَيْهِمْ أَلْسِنَتُهُمْ وَأَيْدِيهِمْ وَأَرْجُلُهُمْ بِمَا كَانُوا يَعْمَلُونَ﴾؛ روزی که زبانهایشان و دستهایشان و پاهایشان به زیانشان به کارهایی که کردند، شهادت می دهند.

۱. راغب اصفهانی، حسین بن محمد؛ پیشین؛ ج ۱، ص ۳۷۴.

۲. کلینی محمد بن یعقوب؛ الکافی، محقق: غفاری، علی اکبر و آخوندی، محمد، تهران: دارالکتب الاسلامیه؛ ج ۱، ص ۱۹۰.

چهارمین شاهد، فرشتگان هستند که مأمور ثبت و ضبط اعمال انسان‌ها می‌باشند و در آیات ۱۰ تا ۱۲ سوره انفطار به آن اشاره شده است:

﴿وَإِنَّ عَلَيْكُمْ لَحَافِظِينَ (۱۰) كَرَامًا كَاتِبِينَ (۱۱) يَعْلَمُونَ مَا تَعْمَلُونَ (۱۲)﴾؛ حال آن‌که بر شما کاتبانی گمارده شده، کاتبانی بزرگوار که می‌دانند که شما چه می‌کنید. پنجمین شاهد، زمین است. گواه این سخن آیه ۴ سوره زلزله است که می‌فرماید: ﴿يَوْمَ مَنَعُ مُحَمَّدٌ أَخْبَارَهَا﴾؛ روزی که زمین خبرهای خود را فاش کند. شاهد ششم، زمان است. امام باقر علیه السلام می‌فرمایند:

هیچ روزی بر انسان نمی‌گذرد، مگر این‌که انسان را خطاب می‌کند: ای فرزند آدم! من روز تازہ هستم و بر تو شهادت می‌دهم در وقت من، کار خوب انجام بده تا در قیامت به نفع تو شهادت دهم.^۳

شهادت در دنیا یا آخرت

در پاسخ به اینکه آیا رؤیت در دنیا است یا آخرت؟ باید گفت که آیه ۴۵ سوره احزاب و آیه ۸ سوره فتح، یکی از رسالت‌های پیامبر را مسئله شهادت ایشان بیان کرده است. این شهادت مربوط به اعمال افراد است، یعنی انبیا الهی در صحنه قیامت حاضر می‌شوند و به سود یا ضرر افراد امت خود شهادت می‌دهند؛ به اینکه آنچه ما به ایشان رسانده‌ایم را انجام داده‌اند یا اوامر الهی را ترک کرده‌اند. بر این اساس، شهادت انبیا عبارت است از: تحمل شهادت در دنیا و ادای آن در آخرت.

از نقدهای این گفتار این است که در تبیین بیشتر مفسران، اطلاق آیه نادیده انگاشته شده است؛ در حالی که شاهد بودن رسول در آیه، مطلق است. آنچه مورد کم‌توجهی قرار گرفته است، محدود کردن اثر شهادت به مسئله ادای آن در قیامت است.

شاهدان بر اعمال از منظر مفسران شیعه

در این بخش با تمرکز به برخی از تفاسیر شیعه، دیدگاه مفسران قرآن در رابطه با مفهوم شهادت و رؤیت و همچنین مصداق مؤمنون را مرور می‌کنیم.

۳. همان؛ ج ۲، ص ۲۵۳.



تفسیر مجمع‌البیان

مرحوم طبرسی رحمته الله، این آیه را تنذیر و تبشیر برای مسلمانان به حساب آورده است تا به وسیله این آیه، شاهد بودن خدا و رسول الله صلی الله علیه و آله را متذکر شود. مسلمانان باید بدانند که به عالم دیگری برخوانند گشت و طبق این آیه از آنچه انجام داده‌اند، آگاه می‌شوند. بنابراین باید سعی در انجام اعمال نیک داشته باشند. ایشان ماهیت رؤیت را به معنای آگاه بودن و دانستن آورده است، یعنی خدا به اعمال شما آگاه است و به آن پاداش می‌دهد. ایشان سپس به نقل اقوال در مورد مصداق مؤمنین در آیه می‌پردازد و شهیدان و فرشتگان را از مصداق احتمالی برمی‌شمارد. سپس روایتی را بیان می‌کند که اعمال هر فرد مسلمان دوشنبه‌ها و پنج‌شنبه‌ها به رسول الله و ائمه طاهرین علیهم السلام عرضه می‌شود.^۱

تفسیر تبیان

این آیه از نگاه شیخ طوسی رحمته الله، برای تهدید افراد جامعه است تا به اعمال نیک رغبت پیدا کنند و اعمال منکر را ترک گویند و این نظر خود را به وسیله روایتی از مجاهد تأیید می‌کند.

مرحوم طوسی رحمته الله معنای رؤیت و ریشه آن را مورد بررسی قرار داده است و می‌نویسد:

اگر رؤیت دارای یک مفعول باشد، به معنای علم و معرفت است؛ درحالی که اگر دو مفعولی باشد، به معنایی دانستن است. آنچه از این آیه به دست می‌آید، این است که رؤیت در آیه، یک مفعول دارد.^۲

ایشان با آوردن حدیثی که اشاره به رؤیت اعمال در هر دوشنبه و پنج‌شنبه دارد، به صورت ضمنی شاهدان را پیامبر و اهل بیت علیهم السلام معرفی می‌کند.

تفسیر نمونه

مؤلفان این تفسیر شریف، از این آیه استفاده اخلاقی نموده‌اند. اگر کسی متوجه شود که کودکی شاهد اعمال اوست، از انجام اعمال منکر صرف‌نظر می‌کند. پس ما نیز که شاهدانی دائماً در حال مشاهده ما هستیم، باید متوجه باشیم که چه اعمالی از ما سر می‌زند.

۱. طبرسی، فضل بن حسن؛ مجمع‌البیان فی تفسیر القرآن، تحقیق محمدجواد بلاغی، تهران: انتشارات ناصر خسرو، ۱۳۷۲، چاپ سوم؛ ج ۵، ص ۱۰۴.

۲. طوسی، محمدحسین؛ التبیان فی تفسیر القرآن، تحقیق احمد قیصر عاملی، بیروت: دار الاحیاء التراث العربی؛ ج ۵، ص ۲۹۵.

همچنین در معنای رؤیت با نقل نظرات مختلف مفسران، در آخر نظر خود را بیان می‌دارند. از نظر مفسران، رؤیت دو معنا می‌تواند داشته باشد: اگر یک مفعول داشته باشد، به معنای معرفت است و اگر دو مفعول داشته باشد، به معنای علم است؛ ولی مؤلفان این تفسیر معتقد هستند که چرا نباید رؤیت را به معنایی اصلی خود، یعنی مشاهده محسوسات بگیریم؛ زیرا دیده شدن امر محسوس برای خداوند محذوری ندارد و برای پیامبر و اهل بیت معصوم ایشان نیز از آنجایی که اعمال انسان فانی نیست و تا قیامت موجود است، امری ممکن است. پس اعمال بر ایشان نیز عرضه خواهد شد.

مؤلفین این تفسیر شریف، مدعی می‌شوند که در روایات شیعی به حد تواتر اخباری وجود دارد که شهادت پیامبر و اهل بیت علیهم‌السلام را ثابت می‌کند و خداوند از طریق خاصی این علم را به ایشان تنفیذ می‌کند. برای اثبات این امر چندین حدیث را که مؤید همین مدعی است، می‌آورند. سپس به جمع این روایات می‌کوشند؛ زیرا که ما شاهد هستیم که در این روایات، شاهدان اعمال گاهی فقط پیامبر و گاهی امیرالمؤمنین و در بعضی دیگر همه امامان معرفی شده‌اند؛ حتی در میزان مشاهده، گاهی پنج‌شنبه و دوشنبه روز مشاهده اعمال معرفی شده‌اند، گاهی همه‌روزه و گاهی فقط هنگام احتضار، اعمال فرد مسلمان توسط معصومین علیهم‌السلام مشاهده می‌شود. در میان این روایات، البته هیچ‌گونه اختلافی نیست؛ همان‌گونه که بسیاری از مؤسسات، گزارش کارکردهای مختلفی مثل روزانه، هفتگی، ماهانه و سالانه به مقامات بالاتر دارند. مؤلفین سپس سعی نموده‌اند فقط با ظاهر آیه و بدون توجه به روایات شیعه و اهل سنت اثبات کنند که مؤمنان در آیه، اهل بیت علیهم‌السلام هستند و برای این مهم چند دلیل ذکر کرده‌اند:

اولاً: آیه اطلاق دارد و تمام اعمال را شامل می‌شود و می‌دانیم که همه اعمال از طرق عادی بر پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم و مؤمنان آشکار نخواهد شد؛ زیرا بیشتر اعمال خلاف، در پنهانی و به طور مخفیانه انجام می‌شود و در پرده استتار غالباً پوشیده می‌ماند و حتی بسیاری از اعمال نیک پوشیده چنین است و اگر ما ادعا کنیم که همه اعمال، اعم از نیک و بد و یا غالب آن‌ها بر همه روشن می‌شود، سخنی بسیار گزاف گفته‌ایم. بنابراین آگاهی پیامبر و مؤمنان از اعمال مردم باید از طرق غیر عادی و به تعلیم الهی باشد.

ثانیاً: در پایان آیه می‌خوانیم:

﴿فَيُنَبِّئُكُمْ بِمَا كُنتُمْ تَعْمَلُونَ﴾؛ خداوند شمارا در قیامت به آنچه عمل کرده‌اید، آگاه می‌سازد.

شکی نیست که این جمله تمام اعمال آدمی را، اعم از مخفی و آشکار شامل می‌شود و ظاهر تعبیر آیه این است که منظور از عمل در اول و آخر آیه یکی است. بنابراین آغاز آیه نیز همه اعمال را، چه آشکار باشد



و چه پنهان باشد، شامل می‌شود و معلوم است که آگاهی بر همه این‌ها از طرق عادی ممکن نیست. به تعبیر دیگر، پایان آیه از جزای همه اعمال سخن می‌گوید؛ آغاز آیه نیز از اطلاع خداوند و پیامبر و مؤمنان نسبت به همه اعمال بحث می‌کند؛ یکی مرحله آگاهی است و دیگری مرحله جزا و موضوع در هر دو قسمت یکی است.

ثالثاً: تکیه روی مؤمنان در صورتی صحیح است که منظور همه اعمال و از طرق غیر عادی باشد، وگرنه اعمال آشکار را هم مؤمنان می‌بینند و هم غیر مؤمنان. از اینجا این نکته نیز روشن می‌شود که منظور از مؤمنان در این آیه - همان‌گونه که در روایات فراوانی نیز آمده است - تمام افراد با ایمان نیستند؛ بلکه گروه خاصی از آن‌ها است که به فرمان خدا از اسرار غیب آگاهند، یعنی جانشینان راستین پیامبر ﷺ.^۱

تفسیر المیزان

علامه طباطبایی^۲ با مقایسه آیه ۱۰۵ و ۹۴ سوره توبه که شباهت زیادی با هم دارند و همچنین نگاه کلی که نسبت به مسئله شهادت در دیگر آیات قرآن پیدا کرده‌اند، معتقد شده است که رؤیت عبارت است از تحمل و دیدن حقایق اعمال که مردم در دنیا انجام می‌دهند. از منظر ایشان در مسئله تحقق شهادت، ادا و بیان آن شرط نیست و معنای اصلی شهادت را دارای یک مرحله، یعنی حس کردن یک گزاره به حساب می‌آورند.

ایشان در مورد مصداق مؤمنین، معتقد هستند که با توجه به معنای رؤیت (تحمل و دیدن حقایق اعمال)، عده‌ای انگشت‌شمار از مؤمنین می‌توانند شاهد اعمال مردم باشند. در آیه ۱۴۳ سوره بقره این طور تلاوت می‌کنیم: ﴿وَكَذَلِكَ جَعَلْنَاكُمْ أُمَّةً وَسَطًا لِتَكُونُوا شُهَدَاءَ عَلَى النَّاسِ وَ يَكُونَ الرَّسُولُ عَلَيْكُمْ شَهِيدًا﴾ که امت در این آیه اشاره به همین افراد انگشت‌شمار دارد. علامه ذیل همین آیه ثابت می‌کنند که همه مؤمنین نمی‌توانند شاهدین اعمال باشند. ایشان در جواب اینکه امت معنایی ظاهر دارد و نمی‌توان آن را حمل بر عده انگشت‌شمار کرد، این‌گونه جواب می‌دهند که این مطلب یعنی بیان کردن کل و اراده کردن عده خاصی از آن، سابقه قرآنی دارد. در آیه ۴۷ سوره بقره که در مورد قوم بنی اسرائیل می‌فرماید:

﴿يَا بَنِي إِسْرَائِيلَ اذْكُرُوا نِعْمَتِيَ الَّتِي أَنْعَمْتُ عَلَيْكُمْ وَأَنِّي فَضَّلْتُكُمْ عَلَى الْعَالَمِينَ﴾؛ ای

بنی اسرائیل، نعمتی را که بر شما ارزانی داشتم و شما را بر جهانیان برتری دادم، به یاد بیاورید.

علامه طباطبایی^۲ در تفسیر این آیه، فضیلت یافتن بنی اسرائیل را مربوط به همه آن‌ها نمی‌داند؛

بلکه معتقد است عده خاصی مدنظر بوده است، ولی خدا برتری یافتن را به کل جامعه نسبت داده است.^۲

۱. مکارم شیرازی، ناصر؛ تفسیر نمونه، تهران: دارالکتب اسلامی، چاپ اول، ۱۳۷۴؛ ج ۸، ص ۱۲۴.

۲. طباطبایی، سید محمدحسین؛ تفسیر المیزان، ترجمه: موسوی همدانی، سید محمدباقر، قم: دفتر انتشارات

شاهدان از نگاه مفسران اهل سنت

در این بخش با تمرکز به برخی از تفاسیر اهل سنت، دیدگاه مفسران قرآن در رابطه با مفهوم شهادت و رؤیت و همچنین مصداق مؤمنون را توصیف خواهیم کرد.

تفسیر القرآنی للقرآن

خطیب در تفسیر خود، عمل فرد را نشانه شخصیت او می‌داند. به عقیده وی خداوند اعمال ما را در آشکار و پنهان مشاهده می‌کند؛ ولی پیامبر و مسلمانان سطح جامعه، رؤیتی مناسب خود دارند؛ یعنی فقط اعمال ظاهر شده را می‌بینند و بر اساس مشاهده همین اعمال ظاهری نیز رسول خدا و مؤمنین نسبت به افراد تویی و تبری پیدا می‌کنند. البته وی قائل به رؤیت دیگری نیز هست و آن رؤیت حقیقت اعمال است که در آخرت برای همه افراد حاصل خواهد شد. مؤمنین از نظر خطیب، امت اسلامی یا همان افراد سطح جامعه مسلمانان هستند.^۱

تفسیر القرآن العظیم

ابن کثیر از مجاهد نقل کرده است که این آیه برای مخالفین اوامر الهی، وعید را تذکر می‌دهد. وی در مورد رؤیت معتقد است که اعمال مسلمانان توسط خداوند، پیامبر و مؤمنین رؤیت خواهد شد و این رؤیت در روز قیامت است؛ همان‌گونه که آیه ۱۸ سوره حاقه به آن اشاره دارد: ﴿يَوْمَئِذٍ تُعْرَضُونَ لَا تَخْفَىٰ مِنْكُمْ خَافِيَةٌ﴾ و در آیه ۹ سوره طارق، آمده است: ﴿يَوْمَ تُبْلَى السَّرَائِرُ﴾ و نیز در آیه ۱۰ سوره عادیات می‌خوانیم: ﴿حَصَلَ مَا فِي الصُّدُورِ﴾.

البته این اعمال در دنیا نیز مشاهده می‌شود؛ همان‌گونه که احمد بن حنبل از پیامبر نقل کرده است. همچنین وی روایتی را نقل می‌کند که شاهدان را اموات معرفی می‌کند که اعمال نزدیکان خود را مشاهده می‌کنند.^۲

تفسیر روح المعانی

این آیه، جامع تشویق و تهدید است. پس هر چه می‌خواهید، انجام دهید؛ زیرا که خداوند مشاهده می‌کند.

اسلامی، چاپ پنجم، ۱۳۷۴. ج ۹، ص ۵۱۳.

۱. خطیب، عبدالکریم؛ تفسیر القرآنی للقرآن؛ ج ۶، ص ۸۹.

۲. ابن کثیر، اسماعیل ابن عمرو؛ تفسیر القرآن العظیم/ابن کثیر، محمدحسین شمس الدین، بیروت: دار العلمیه، چاپ اول،

۱۴۱۹هـ.ق؛ ج ۴، ص ۱۸۳.



از نگاه آلوسی آیه به دو رؤیت اشاره دارد؛ چرا که بین لفظ جلاله «الله» و رسول الله و مؤمنین فاصله افتاده است. پس اینجا دو نوع رؤیت وجود دارد.

الف: رؤیت الله

ب: رؤیت رسول الله و مؤمنین که خداوند از طریق خاصی آن علم را به ایشان می‌رساند و علت اینکه رؤیت رسول الله و مؤمنین در آیه ذکر شده است، این است که منافقین از این امر کراهت داشته‌اند. آنچه از متن تفسیر آلوسی بر می‌آید، مؤمنان همان افراد سطح جامعه هستند و به این دلیل که این مطلب برای صاحب کتاب مشخص بود، به ذکر دلیل این امر نپرداخته است.^۱

تفسیر مفاتیح الغیب

این آیه جامع ترغیب و تهدید است؛ زیرا خداوند باید نسبت به مخلوقات خود عالم باشد. پس اگر فعل خوب از بنده سر زد، باعث رسیدن ثواب می‌شود و اگر فعل منکر از او صادر شد، باعث عقوبت او است. در باب معنایی رؤیت، فخر رازی معتقد است که خداوند آنچه مرئی و دیدنی است، می‌بیند. اگر رؤیت یک مفعولی باشد، به معنای ایصار و دیدن است و اگر همراه دو مفعول بیاید، معنای آن علم است. از آیه ﴿لَمْ تَعْبُدْ مَا لَا يَسْمَعُ وَلَا يُبْصِرُ﴾^۲ متوجه می‌شویم که خداوند هم بینا است و هم شنوا است و از مفهوم این آیه، رؤیت به معنای ایصار و دیدن تقویت می‌شود. از طرف دیگر، در ادامه آیه مورد بحث، خداوند با علم خود توصیف شده است، ﴿سَتَرْدُونَ إِلَىٰ عَالَمِ الْغَيْبِ وَالشَّهَادَةِ﴾^۳ که اگر رؤیت را به معنای علم بگیریم، تکرار معنای علم، خالی از فایده می‌شود.

سپس دو دلیل دیگر برای اینکه رؤیت در اینجا به معنای ایصار است، می‌آورد:

۱. قول اصحاب که این آیه را دلیلی قرار داده‌اند برای اینکه هر موجودی رؤیتش صحیح است و فرموده‌اند در آیه یک مفعول آمده که به معنای ایصار است.

۲. قوانین لغوی نیز شاهد بر این است که رؤیت با یک مفعول به معنای ایصار است.

بعد از اینکه ثابت شد خداوند اعمال بندگان را می‌بیند، فخر رازی به سراغ بررسی اعمال می‌رود تا معنای مشخصی از آن، ارائه دهد. از نگاه فخر، عمل به دو قسم تقسیم می‌شود:

۱. آلوسی، سید محمود؛ روح المعانی فی تفسیر القرآن العظیم، تحقیق: علی عبد الباری عطیه، بیروت: دارالعلمیه، چاپ اول، ۱۴۱۵ ه.ق؛ ج ۶، ص ۱۶.

۲. سوره مریم / ۴۲.

۳. سوره توبه / ۱۰۵.

۱. اعمال قلوب؛ مانند خواسته‌ها، مکروهات ۲. اعمال جوارحی؛ مانند حرکات و سکنت.

آنچه مشخص است این است که خداوند متعال شاهد همه این اعمال می‌باشد و از طرفی، این ابصار به رسول‌الله و مؤمنین نیز نسبت داده شده است؛ در صورتی که ایشان فقط اعمال جوارحی را ببینند، رؤیت در معطوف مقید می‌شود که مربوط به اعمال جوارحی است؛ لذا واجب است که معطوف علیه نیز تقیید خورده باشد و این بعید است؛ زیرا عطف، اصل اشتراک را بیان می‌کند و لازمه آن تساوی در همه زمینه‌ها نیست. پس تخصیص زدن در معطوف علیه لازم نیست.

رازی معتقد است که مؤمنین در آیه اشاره به کل دارد؛ از این رو باید یک جمع شاهد اعمال باشند، ولی لزومی ندارد که حتماً همه افراد شاهد اعمال باشند؛ بلکه رسیدن خبر به کل یا یک مجموعه کفایت می‌کند.^۱

نقد دیدگاه مفسران اهل سنت

همان‌گونه که مشاهده شد مفسران در تفسیر این آیه چند دسته می‌شوند. بعضی کتب تفسیری، چون تصور کردند که مطلب برای ایشان روشن است و مصداق مؤمنان را افراد مؤمن جامعه به حساب آوردند، درباره مصداق مؤمنون در آیه به بحث پرداختند. عده‌ای دیگر همچون صاحبان کتب «تفسیر القرآن العظیم» و «روح المعانی»، فقط به نقل اقوال و مصادیقی چون فرشتگان یا اموات یا مؤمنین سطح جامعه و حتی اهل بیت علیهم‌السلام بسنده کردند و به رد یا قبول هیچ‌یک از این اقوال پرداختند. از میان چند کتاب تفسیری که در این مقاله مورد بررسی قرار گرفت، تنها صاحب «مفاتیح الغیب» به بررسی کاملی در مورد این موضوع پرداخته است و ابعاد مختلف این رؤیت را از قبیل حقیقت رؤیت، زمان رؤیت، رؤیت کنندگان بررسی و حتی شبهات احتمالی را نیز جواب داده است؛ هر چند تضادهایی در سخنان وی مطرح است.

دو دیدگاه کلی درباره دایره شمول مؤمنون در آیه وجود دارد. عده‌ای مؤمنین را شامل تمام مؤمنان می‌دانند و عده دیگر این کلیت را قبول نداشته و تنها عده خاصی را از میان مؤمنان برای شهادت مناسب می‌بینند. در این میان اختلافات فراوانی نیز در تعیین مصداق آن عده خاص ایجاد شده است. آنچه ابتدا باید در نقد این نظرات ثابت گردد، این است که آیا در آیه مبارکه، مؤمنین همه افراد هستند یا عده خاصی را شامل می‌شود و سپس به این مسئله می‌پردازیم که آن عده خاص چه کسانی و با چه مشخصاتی هستند.

۱. فخرالدین رازی، محمد بن عمرو؛ مفاتیح الغیب، بیروت: دار الاحیاء التراث العربی، چاپ سوم، ۱۴۲۰ ه. ق؛ ج ۱۶، ص ۱۴۱.



اما ادله اختصاصی بودن رؤیت برای برخی از مؤمنین را می‌توان این‌گونه برشمرد:

۱. همه مؤمنین بر درک کلیه اعمال انسان‌ها توانایی ندارند.

یکی از شرایط شاهدان اعمال، آگاهی به کلیه اعمال انسان است. اطلاع همه مؤمنین از کل اعمال ظاهری و آشکار انسان، محل اشکال است، تا چه رسد به عملکردهای فراوان دیگر انسان‌ها که پنهانی صورت می‌گیرد و غالباً بیشتر مؤمنین از این اعمال آگاه نیستند. در مرحله بعد، نیت‌های انسان که خفای بیشتری دارند. بنابراین شاهدان اعمال باید کسانی باشند که از تمامی اعمال، نیت‌ها، خواسته‌ها و تمایلات انسان با خبر بوده تا بتوانند شاهدان مناسبی در دنیا و گواهان صادقی در آخرت باشند.

حضرت صادق علیه السلام در این باره می‌فرماید:

بعضی از مؤمنین شهادتشان به خاطر مقداری سبزی و خرما در دنیا پذیرفته نمی‌شود؛ تا چه رسد به قبول شهادت آن‌ها در محضر الهی.^۱

هم‌چنین روایات فراوان عرضه^۲ - که تصریح می‌کند عرضه اعمال در دنیا و آگاهی از اعمال انسان‌ها مخصوص تمام مؤمنین نیست؛ بلکه تنها بخشی از آن‌ها را شامل می‌شود - بیانگر این نکته است که رؤیت برای همه مؤمنین واقع نمی‌شود.

۲. شاهد باید کسی باشد که امکان رد او توسط مشهودین نباشد.

آیات قرآن نشان می‌دهد که در قیامت، افراد از شدت دستپاچگی و نگرانی، اعمال ضبط شده خود را در صحیفه اعمال انکار می‌کنند و بعضی سوگند دروغ یاد می‌کنند. در این عرصه سخت، شاهدان اعمال باید کسانی باشند که مشهودین نتوانند گفتار آن‌ها را رد کرده و یا دروغ بشمارند و در برابر شهادت و اطلاع آن‌ها از اعمالشان تسلیم شوند. از طرفی نمی‌توان تصور کرد که هر کس شاهد بر اعمال خود باشد؛ زیرا ثمره‌ای در این میان به وجود نمی‌آید؛ چرا که هر کس شاهد اعمال خود خواهد بود و چگونه کسی می‌تواند علیه خود شهادت دهد. اگر همه انسان‌ها چنین صدقی دارند، دیگر چه نیازی به شهادت بر اعمال بود. ما انسان‌ها نیازمند به شاهدانی هستیم که حجت را بر ما تمام کنند و راه هرگونه شک و تردید را بر ما ببندند. اگر این‌گونه نباشد، اطلاع گواهان و شهادت شاهدان بدون فایده و عبث خواهد بود و خدای حکیم از انجام هرگونه کار

۱. عیاشی، محمد بن مسعود؛ تفسیر العیاشی، تحقیق: سید هاشم رسولی محلاتی، تهران: المطبعة العلمية، چاپ اول؛ ج ۱، ص ۶۳.

۲. بحرانی، سید هاشم؛ البرهان فی تفسیر القرآن، تهران: بنیاد بعثت، چاپ اول، ۱۴۱۷ ه.ق؛ ج ۲، ص ۸۳۸.

عشی منزه است؛ در حالی که بیشتر کسانی که در جامعه امروزی مشاهده می‌کنیم، از این ویژگی یعنی عدالت محروم هستند و غالباً نمی‌توانند در قیامت شاهدانی باشند که هیچ اشکالی بر آن‌ها وارد نشود. بنابراین اطلاق مؤمنین بر کلیه مؤمنان امری باطل است. بعضی مفسرین اهل سنت نیز در این مطلب با ما هم عقیده هستند و منظور آیه را رسیدن خبر به عده خاصی به حساب آورده‌اند^۱ و اصولاً رسیدن خبر اعمال افراد به تمام مؤمنین، محال وقوعی است.

۳. شاهد باید از خطا در شهادتش مبرا باشد.

هدف از مشاهده اعمال از جانب خدا و رسول و مؤمنین، علاوه بر فراهم نمودن فضایی که رعایت تقوا در آن آسان‌تر باشد و مؤمنین بیشتر بر رفتار و کردار خود توجه کنند، وسیله‌ای است تا در آخرت موجب شهادت شاهدان و اتمام حجت بر مردم باشد. از این جهت شاهد اعمال باید در کلام خود از خطا مبرا باشد؛ زیرا اوست که باید در صحرائی محشر، شهادت به اعمال و رفتار انسان‌ها دهد و دادگاه الهی، دادگاهی نیست که شاهدانش شهادت به خطا و اشتباه دهند که اگر این‌چنین شود، دیگر دلیل عاقلانه‌ای بر شهادت وجود ندارد. این‌که در میان مؤمنین آیا همگی از خطا مبرا هستند یا خیر، سؤالی است که با اندک تأملی روشن می‌گردد. بنابراین واژه مؤمنین در آیه، دلالت بر شمول نسبت به همه مؤمنین نخواهد داشت.

مصادیق مؤمنین

همان‌طور که ثابت شد مؤمنین نمی‌توانند تمام آن‌ها را شامل شود و ناچار کسانی می‌توانند به‌عنوان شاهدان عمل انسان‌ها در کنار خدا و رسول واقع شوند که از اشکالات مطرح شده در بخش قبل، منزّه و مبرا باشند؛ به این معنا که از نیت و اعمال پنهان انسان آگاه باشند تا کسی نتواند شهادت آن‌ها را منکر شود و در بیان شهادت و اصل شهادت از هرگونه خطا و اشتباهی مبرا باشند. در آیه ۳۳ سوره احزاب که معروف به آیه تطهیر است، می‌خوانیم:

﴿وَقَرْنَ فِي بُيُوتِكُنَّ وَلَا تَبَرَّجْنَ تَبَرُّجَ الْجَاهِلِيَّةِ الْأُولَىٰ وَأَقِمْنَ الصَّلَاةَ وَآتِينَ الزَّكَاةَ وَأَطِعْنَ اللَّهَ وَرَسُولَهُ إِنَّمَا يُرِيدُ اللَّهُ لِيُذْهِبَ عَنْكُمُ الرِّجْسَ أَهْلَ الْبَيْتِ وَيُطَهِّرَكُمْ تَطْهِيرًا﴾

در این آیه خداوند عده‌ای را از هرگونه رجس و پلیدی دور می‌کند. در این زمینه به نظر یکی از مفسران اهل سنت یعنی فخر رازی ذیل این آیه توجه می‌دهیم. وی در تفسیر «لِيُذْهِبَ عَنْكُمُ الرِّجْسَ» می‌نویسد:

۱. فخرالدین رازی، محمد بن عمرو؛ مفاتیح الغیب، بیروت: دار الاحیاء التراث العربی، چاپ سوم، ۱۴۲۰؛ ج ۱۶، ص ۱۴۱.



ذنوب را از ایشان زایل نمودیم «وَيُطَهِّرْكُمْ» یعنی لباس کرامت به ایشان پوشانیدیم. فخر سپس مصداق اهل بیت را اختلافی بیان می‌کند. ولی با توجه به تغییر خطاب از جمع مؤنث به جمع مذکر در آیات قبل در میان اقوال، بهترین قول را به این شکل معرفی می‌کند:

منظور زنان پیامبر به تنهایی نیستند؛ بلکه اولاد و زنان ایشان هستند [و بعد به صورتی سر بسته اهل بیت پیامبر را معرفی می‌نماید]: [حسن و حسین از اولاد ایشان هستند و علی علیه السلام نیز به سبب معاشرت زیاد با پیامبر و دختر ایشان جز اهل بیت هستند].^۱

البته وی به خوبی متوجه است که زنان پیامبر نمی‌توانند جز اهل بیت باشند؛ زیرا هیچ‌کس تا به حال اعتقاد به عصمت ایشان نداشته است.

کسانی تنها از میان مؤمنین، از خطا و اشتباه می‌زاهد هستند و می‌توان به آن‌ها اعتماد کرد و کسی توان رد و مقابله در شهادت آن‌ها ندارد که معصوم از خطا، لغزش و اشتباه باشند و ایشان می‌توانند شاهدان اعمال مخفی و مستور ما نیز باشند. پس توانایی لازم برای شاهد واقع شدن و مصداق مؤمنین قرار گرفتن را دارا هستند. مطمئناً مصادیق اصلی این عبارت بعد از رسول گرامی، وارثان و وصیان ایشان هستند که مسئولیت ایشان را که همان امامت و پیشوایی امت و شهادت بر اعمال است، بر عهده دارند.

از این جهت در تفسیر این آیه، روایات زیادی از ائمه علیهم‌السلام رسیده که به حد تواتر نیز می‌رسد و بیانگر آن است که مؤمنون در آیه، ائمه معصومین علیهم‌السلام هستند. برای نمونه در تفسیر قمی از امام صادق علیه‌السلام نقل شده است:

فی قوله: ﴿وَقُلِ اعْمَلُوا فَسَيَرَى اللَّهُ عَمَلَكُمْ وَرَسُولُهُ وَالْمُؤْمِنُونَ﴾ الْمُؤْمِنُونَ هَاهُنَا الْأَئِمَّةُ الطَّاهِرُونَ؛^۲ مؤمنون در این آیه، ائمه طاهرین علیهم‌السلام هستند.

بر این اساس، دلیل عقلی در کنار روایات نشان می‌دهد که شاهدان بر اعمال، معصومان از امت اسلام یعنی ائمه اطهار علیهم‌السلام می‌باشند.

نقد چند انگاره دیگر

در صورتی که پرسیده شود با توجه به آیات قرآن، دلیل بر شاهد بودن دیگر معصومان به غیر پیامبران الهی

۱. فخرالدین رازی، محمد بن عمرو؛ *مفاتیح الغیب*، بیروت: دار الاحیاء التراث العربی، چاپ سوم، ۱۴۲۰؛ ج ۲۵، ص ۱۶۸.

۲. قمی، علی بن ابراهیم؛ *تفسیر قمی*، تحقیق: سید طیب موسوی جزائری، قم: دار الکتب، چاپ چهارم، ۱۳۶۷؛ ج ۱، ص

چیست؟ در جواب باید گفت: دلیل این ادعا، آیه ۸۹ سوره نحل است که می‌فرماید:

﴿وَيَوْمَ نَبْعَثُ فِي كُلِّ أُمَّةٍ شَهِيدًا عَلَيْهِمْ مِّنْ أَنفُسِهِمْ وَجِئْنَا بِكَ شَهِيدًا عَلَىٰ هَؤُلَاءِ﴾؛ و روزی باشد که از هر امتی شاهی از خودشان بر خودشان برانگیزیم و تو را بیاوریم تا بر آنان شهادت دهی.

با توجه به این آیه، می‌توان این‌گونه استدلال کرد که اگر قرار است برای هر امتی شهیدی باشد، پس از رحلت رسول خدا و عصر ایشان، شاهد اعمال در میان امت‌ها کیست؟ برای پاسخ به این سؤال با توجه به آیه ۶۹ سوره زمر ﴿وَ جَاءَ بِالْبَيِّنَاتِ وَالشُّهَدَاءِ﴾ یعنی پیامبران و گواهان را بیاورند، مشخص می‌شود که برای شاهد واقع شدن حتماً لازم نیست که شاهد بر اعمال، پیامبر باشد؛ زیرا در این آیه، شهدا از انبیا جدا شده‌اند. پس می‌توان نتیجه گرفت غیر از پیامبران الهی، اشخاص دیگری نیز می‌توانند شاهدان اعمال ما باشند.

چرا مراد مؤمنون، اموات از بستگان نیستند؟

اگر سؤال شود که چرا اموات نمی‌توانند مصداقی برای این آیه باشند، در جواب می‌گوییم اگرچه مشاهده اعمال ما توسط اموات در روایات شیعه تصدیق شده است و ایشان اگر اجازه یابند، در بعضی از ایام هفته به امید اینکه برای وی صدقه داده شود، به اهل و عیال خود مراجعه می‌کنند، ولی با مراجعه به حقیقت قرآنی شهادت و سیاق آیات سوره، می‌توان نتیجه گرفت که منظور از مؤمنین، اموات نیستند.

از طرف دیگر، در آیه ۱۱۷ سوره مائده، حضرت عیسی علیه السلام به خداوند عرضه می‌دارد:

﴿مَا قُلْتُ لَهُمْ إِلَّا مَا أَمَرْتَنِي بِهِ أَنْ أَعْبُدُوا اللَّهَ رَبِّي وَرَبَّكُمْ وَكُنْتُ عَلَيْهِمْ شَهِيدًا مَّا دُمْتُ فِيهِمْ فَلَمَّا تَوَفَّيْتَنِي كُنْتُ أَنْتَ الرَّقِيبَ عَلَيْهِمْ وَأَنْتَ عَلَىٰ كُلِّ شَيْءٍ شَهِيدٌ﴾؛ من به آنان جز آنچه تو فرمانم داده بودی، نگفتم. گفتم که «الله» پروردگار مرا و پروردگار خود را پرستید و من تا در میانشان بودم، نگهبان عقیده‌شان بودم و چون مرا میرانیدی، تو خود نگهبان عقیده‌شان گشتی و تو بر هر چیزی آگاه هستی.

عیسی علیه السلام تا زمان زنده‌بودنش خود را به عنوان شاهد اعمال معرفی می‌کند و بعد از رحلت از این دنیا، خدا را گواه بر امت خود می‌گیرد. پس طبق این آیه، افرادی که در این دنیا حضور ندارند، نمی‌توانند شاهد اعمال باشند؛ زیرا که عیسی علیه السلام فقط تا زمان حضور خود در میان امتش می‌تواند شاهد اعمال ایشان باشد. همچنین ما اثبات کردیم که شاهدین اعمال ما باید افرادی باشند که از عصمت و ویژگی‌هایی برخوردار باشند که بتوانند از حقایق اعمال، نیت‌ها و خواسته‌های درونی ما با خبر شوند؛ درحالی که اموات ممکن



است در دنیا دچار غفلت‌ها و گناهانی شده باشند و هیچ‌کس تاکنون مدعی نشده است که اموات می‌توانند از نیت‌ها با خبر باشند و اموات حتی نمی‌توانند برای همه اعمال جوارحی ما نیز شاهد باشند؛ زیرا ایشان مطابق روایات، تنها در بعضی ایام هفته امکان رؤیت اهل‌وعیال خود را دارند.

چرا مراد مؤمنون، فرشتگان ثبت اعمال نیستند؟

برخی دیگر معتقد هستند که منظور از مؤمنین در آیه، فرشتگان ثبت اعمال می‌باشند. اگرچه در آیات و روایات فراوانی اشاره به ثبت شدن اعمال ما توسط فرشتگان شده و ایشان را جز شاهدین اعمال ما در قیامت معرفی کرده است،^۱ ولی آنچه از سیاق سوره توبه و آیات هم‌جوار آیه ۱۰۵ به دست می‌آید، این است که منظور از مؤمنین، افرادی از جنس بشر است؛ چون وقتی به کتب لغت و استعمالات این واژه مراجعه می‌شود، کسی مدعی نشده که مؤمن صفتی برای فرشتگان باشد.

در آیه ۸۹ سوره نحل می‌فرماید:

﴿وَيَوْمَ نَبْعَثُ فِي كُلِّ أُمَّةٍ شَهِيدًا عَلَيْهِمْ مِّنْ أَنفُسِهِمْ وَجِئْنَا بِكَ شَهِيدًا عَلَىٰ هَؤُلَاءِ وَنَزَّلْنَا عَلَيْكَ الْكِتَابَ تِبْيَانًا لِّكُلِّ شَيْءٍ وَهُدًى وَرَحْمَةً وَبُشْرَىٰ لِلْمُسْلِمِينَ﴾؛ و روزی باشد که از هر امتی شاهدهی از خودشان بر خودشان برانگیزیم و تو را بیاوریم تا بر آنان شهادت دهی و ما قرآن را که بیان‌کننده هر چیزی است و هدایت و رحمت و بشارت برای مسلمانان است، بر تو نازل کرده‌ایم.

عبارت «من انفسهم» دلالت بر این دارد که این شاهدان باید از جنس خود مردم باشند و شاید حتی اشاره به هم‌عصر بودن این شاهدان با مشهودان خود نیز دارد.

اهداف و فواید رؤیت اعمال

پس از مروری بر گفتارهای صورت گرفته و نقد دیدگاه اهل سنت و اثبات لزوم معصوم بودن مصداق مؤمنین، مناسب است به اهداف تحقق رؤیت پرداخته شود. این اهداف را می‌توان این‌گونه برشمرد:

۱. برتری یافتن بندگان خاص

فضیلتی که خداوند به برخی از بندگان خاص خود داده تا ایشان را نسبت به دیگران برتری دهد و ایشان

۱. مانند آیه ۲۱ سوره ق ﴿وَجَاءَتْ كُلُّ نَفْسٍ مَعَهَا سَائِقٌ وَشَهِيدٌ﴾؛ هرکسی می‌آید و با او کسی است که می‌راندش و کسی است که برایش شهادت می‌دهد.

نیز در مقابل این لطف الهی و عصمتی که در وجود خود دارند، شاهد اعمال انسان‌ها می‌شوند تا در آخرت برای امت خود شهادت دهند و میزانی برای تمیز بین خوب و بد باشند. در آیه ۸۴ سوره نحل این‌گونه به آن اشاره دارد:

﴿وَيَوْمَ نَبْعَثُ مِنْ كُلِّ أُمَّةٍ شَهِيدًا ثُمَّ لَا يُؤْذَنُ لِلَّذِينَ كَفَرُوا وَلَا هُمْ يُسْتَعْتَبُونَ﴾؛ روزی که از هر امتی گواهی برانگیزیم و به کافران رخصت سخن گفتن داده نشود و عذرشان پذیرفته نیاید.

۲. اتمام حجت

خداوند با آوردن شاهدانی از جنس خود انسان، اعضای بدنش و حتی زمین و زمان، حجت را بر انسان‌ها تمام می‌کند و خداوند شاهد برتر است.

۳. تشویق به عمل صالح

از فواید دیگر رؤیت اعمال، تشویق و سوق دادن به عمل صالح است؛ زیرا تعظیم، مدح و عزتی که بعد از عمل صالح توسط رسول و مؤمنان صورت می‌گیرد، مردم را به عمل شایسته ترغیب می‌کند.

۴. دوری از کارهای ناپسند

یکی دیگر از اهداف شهادت، اثر تربیتی مترتب بر آن است. وقتی انسان احساس کند که شاهدانی اعمال او را مشاهده می‌کنند، این امر موجب میل به کارهای خوب و دوری از انجام کارهای ناپسند است.

نتیجه‌گیری

با مراجعه آیاتی که به بحث شهادت و رؤیت اعمال اشاره دارد، می‌توان به این نتیجه رسید که مؤمنون در آیه ۱۰۵ سوره توبه افرادی هستند که در حال حیات خود شاهدان اعمال هستند و در قیامت در پیشگاه الهی بر اعمال ما شهادت می‌دهند. افراد سطح جامعه نمی‌توانند شاهدان اعمال باشند؛ زیرا همه مردم قابلیت شهادت دادن در دادگاه‌های دنیا را ندارند، تا چه رسد به دادگاهی که قرار است برای ابدیت انسان حکم کند. اگرچه گاهی مردگان شاهد اعمال جوارحی ما هستند و از طرفی فرشتگان نیز شاهد اعمال ما هستند، ولی نمی‌توانند مصداقی برای مؤمنون در آیه باشند؛ چون سیاق کلام این آیه، با چنین مصداقی هم‌خوانی ندارد و حتی با دیگر آیاتی که به بحث شهادت می‌پردازد نیز هماهنگ نیست. در تفسیر این آیه روایات زیادی بیان می‌کنند که مصداق مؤمنون در آیه، ائمه معصومین علیهم‌السلام می‌باشند.



فهرست منابع

۱. قرآن کریم
۲. ابن کثیر، اسماعیل ابن عمرو؛ تفسیر القرآن العظیم، تحقیق: محمدحسین شمس‌الدین، بیروت: دارالعلمیه، چاپ اول، ۱۴۱۹ ه.ق.
۳. ابن منظور، محمد بن مکرم؛ لسان العرب، بیروت: دار صادر، چاپ سوم، ۱۴۱۴ ه.ق.
۴. آلوسی، سید محمود؛ روح المعانی فی تفسیر القرآن العظیم، تحقیق: علی عبد الباری عطیه، بیروت: دارالعلمیه، چاپ اول، ۱۴۱۵ ه.ق.
۵. بحرانی، سید هاشم؛ البرهان فی تفسیر القرآن، تهران: بنیاد بعثت، چاپ اول، ۱۴۱۷ ه.ق.
۶. برنجکار، رضا و شاکر، محمدتقی؛ «نقش امام غایب در هدایت و مبانی آن»، مجله مشرق موعود، ۱۳۹۳ - دوره ۸، شماره ۳۰.
۷. بغدادی علاء‌الدین، علی بن محمد؛ لباب التاویل فی معانی التنزیل، مصحح: محمدعلی شاهین، بیروت: دارالکتب العلمیه، چاپ اول، ۱۴۱۵ ه.ق.
۸. خطیب، عبدالکریم؛ التفسیر القرآنی للقرآن، لبنان - بیروت: دارالفکر العربی، چاپ اول، ۱۴۲۴ ه.ق.
۹. راغب اصفهانی، حسین بن محمد؛ المفردات فی غریب القرآن، تحقیق: صفان عدنان داودی، دمشق - بیروت: دارالعلم، الدار الشامیه، چاپ اول.
۱۰. زمخشری، محمود؛ الکشاف عن حقائق غوامض التنزیل، بیروت: دارالکتب العربی، چاپ سوم، ۱۴۰۷ ه.ق.
۱۱. صافی، محمد بن عبدالرحیم؛ الجداول فی اعراب القرآن، دمشق - بیروت: دارالرشید، چاپ چهارم، ۱۴۱۸ ه.ق.
۱۲. طباطبائی، سید محمدحسین؛ تفسیر المیزان، ترجمه: موسوی همدانی، سید محمدباقر، قم: دفتر انتشارات اسلامی، چاپ پنجم، ۱۳۷۴.
۱۳. طبرسی، فضل بن حسن؛ مجمع‌البیان فی تفسیر القرآن، تحقیق: محمدجواد بلاغی، تهران: انتشارات ناصرخسرو، چاپ اول، ۱۳۷۲.
۱۴. عیاشی، محمد بن مسعود؛ تفسیر العیاشی، تحقیق: سیدهاشم رسولی محلاتی، تهران: المطبعة العلمیه، چاپ اول، ۱۴۱۵ ه.ق.
۱۵. فخرالدین رازی، محمد بن عمرو؛ مفاتیح الغیب، بیروت: دار الاحیاء التراث العربی، چاپ سوم، ۱۴۲۰ ه.ق.
۱۶. کلینی، محمد بن یعقوب؛ الکافی، تحقیق: غفاری علی‌اکبر و آخوندی محمد، تهران: دارالکتب الاسلامیه، چاپ اول، ۱۴۲۰ ه.ق.
۱۷. مجلسی، محمدباقر؛ بحار الانوار، بیروت: دار الاحیاء التراث العربی، چاپ دوم، ۱۴۰۳ ه.ق.
۱۸. مکارم شیرازی، ناصر؛ تفسیر نمونه، تهران: دارالکتب اسلامیه، چاپ اول، ۱۳۷۴.
۱۹. نورالهی، محمد و شاکر، محمدتقی؛ «قرآن مسئله شهادت شاهدان و هدایت برگزیدگان»، مجله پژوهش‌های اعتقادی کلامی، ۱۳۹۰، دوره ۱، شماره ۳.